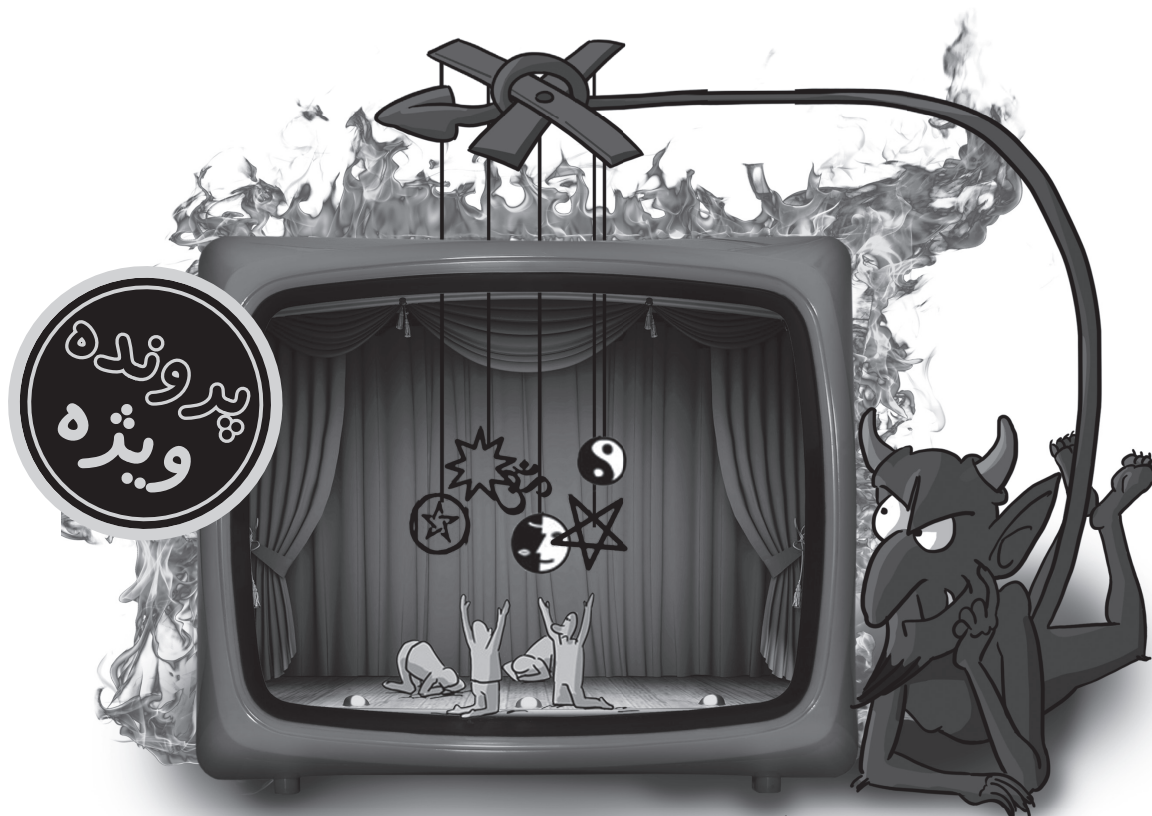




محمد بهمنی

عرفان به شرط چاقو

مردی که به خاطر کارهای نه چندان ظاهرالصلاحش روی به مسجد رفتن نداشت. خودش یک مسجد راه انداخت، ولی کسی به مسجدش نمی‌رفت.

یک روز صبح وقتی همه سر کار می‌رفتند، بنر بسیار بزرگ و خوش رنگ و لعابی روی دیوار مسجد کدایی دیدند: که با خط بسیار درشتی نوشته بود:

«در این مکان نماز صبح، یک رکعتی بدون وضو با کیک و ساندیس برقرار می‌باشد!»

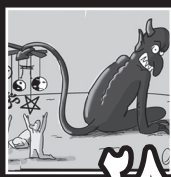
چند روز بعد توی روزنامه در تیراژ چند صد هزاری تبلیغ یک عرفانکده را زده بود که «تضمینی به شرط چاقو!»

«بدون مشقت، بدون نیاز به عبادت‌های طاقت‌فرسا در محیطی جذاب! با تأکید روی کلمه جذاب، فضائی کاملاً دوستانه و عرفانی با بهره‌گیری از بالاترین تکنولوژی روز اروپا و آمریکا و شرق آسیا و... شما را به هر درجه‌ای از عرفان و معنویت و آرامش و ریلکسیشن و یوگا و تقویت چاکرا و هزار اسرار مگوی دیگر که بخواهید می‌رسانیم. هزینه از دنیا دل‌کنده‌گی: به شرط هر جلسه ۱۰۰۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰۰ با آپشن‌های متنوع و متناسب با استعداد عرفانی [و مالی] شما.» تصمیم بگیرید، عارف شوید، بدون درد بدون عوارض! از دست من تا جیب تو - راهی به جز تصمیم نیست.

لیست شماره:

عرفان‌های دروغین

«آقا ما بی‌کناهییم»



۲۸

«حلقه منقر فان»



۲۴

«من خدای احمق‌ها هستم»



۲۲

«تفکرات تعطیل شده»



۲۰